	به ناول اصلاح اقتصاد ب	A P LA	ی به بامندال لول
AND STATE IL	W THE REAL PARTY OF THE PARTY O	ع سر ملاد ۱۳۰۲	· · ·
ف این دون نامه بدون تناسای کتبی برای رامه از سال توپیتوه			ي مع معدة المتياز ومه
به او مرید منبله به فتر وجه اشتناط در ال تاریخه و بلوه شاهر او ا			the state was a state of a
المعالية الم		the share of the state of the s	بست اء ۔
ار و هذه به سود و از الحله . همید . ۲۰۰ قران ۵۰ قران ۳۰ قران ۲۰۰ قران ۲۰۰		B. B. K. M. N. P. I. C.	ماله الشهيل خالفة الان مر الم
خارجه الم	Y Walk a y to at	a free man and the second	فيمت اهـ ملحه الول ملحه دوم و سوم منه المنابعة عمارم
• • **********************************	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	نلالهزار كوجة العادية	محمل إدار ، خلف المران خبا ب
قبت لك شمار. ٥ شاهى است	and the second state of th		
The state of the King we der einer frienden the state of	1. 1 - Armen M. John T. A. Mary Brook, Son	عدم بيكاران فوق الماده زياد و بحران	المستعمل المست ورخا رجه
ت المحلفة في المحلفة المنابعة المتعني الجرادية المحلفة المتعني الجرادية المحلمة المحلمة المحلمة المحلمة المحلمة آدائي كه ناظهر دوز قبل بموجب وإيتورت حوزه هاى انتخاب به قرائت شده از قراديت	man and the end of the trade with		
كه ذيلا بنظر قارئين محترم مبرساند مسودين اله دلي با المراسي ووراريت		- تجارتنى كذر نعاية شدت وجود قارى-	كنفرانش لوزان و روابط انكليس ب
	مارستان المرتبة المرتبة المرتبي المست المنابعة المراجع المرتبة المرتبة المرتبة المرتبة المرتبة المرتبة المرتبة ا	مام مع مع الله الم الله مع	en pris to to take a linets with
١ - مؤسن الملك (١ م ٢٠٠٠) ٢٠٠ - ١ اللامي ما معاده منه ما الملك	عبان هو سمان نمره γو. عبان هو سمان نمره γو.	ا ا فرانسه نیز از و زشکستی همسایه .	من م
 γ - سلیمان میرزا ۲۸ ۲۸ ۲۸ ۲۸ ۲۰ ۲	had a fear the street to any a fear the	الخود أوق العاده منضرر شده وخسارت	المسجابة كتقر أنس لوزان بالاخرة لحاتمه
1710 - Marine			بافت ولى در مسائل بطور كلى موافقت
10YY Lange	به عقبده بعضی از اشخاص مهم از از بخی	خواهد ديد و اكربهملاحظه تامينخود	می بر می می بر می می بر می
الدو له المرس الدو اله المرس الدو له المرس الدو له	ن-بت به سوسیا لیسم کفته شود ؟ (به س	الهدام وأضعف المان را بر وصول	
۲ - التي ذاذة معن بي الملعة من عليم المعني المعني المعني المعني الدورات المعني المعني المعني المعني المعني الم ۲۰۰۷ شما علي السلطنة مستريف المعني	میں یک حکایت برایت بنویسم کہ معطوقاً ا شوی نے لیا اول او میں دیو باعد او	غرامات ترجيح دهد. يتمينا مر تكب	المعصم علب اختلاقات محول شده أست بقرار
۷۵ شمانی السلطنه مشاهد منطقه ۲۹۹۹ می مسلم ۲۹ می می واد می می اسم ۲۹ ۸۵ ماسیر قاری مداد و منتخبا بالهم ۲۹۹۹ ۲۹ می مبد شیاء الدین مسلم ۲۹۹۹ می در آراء قرارت شده نایوم قبل		يك خَبْط بزركي خُوالهَدَ ثَدٌ أَ زَيْرًا لَهُ	داد. جای مخصوسی کانیا بین ، عثمانی
٢٠ ٢ حرفاني ٢ ٢ - ٢ - ١٠ ٢ الدين ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠	ببت سال استسفير، كيبير فراقسه است		و فول منته در آثبة مستد خراهد
من منه عباء الدين من منه الدين منه الم منه المنه منه المن المنه المنه المنه المنه المنه المنه المنه المنه منه المنه المنه المنه ا	د رم ب البته شنبدهای . این شخص	خرابي المان در فرانسه نيز کي اثر	I we shall be seen in the second shall shall be an elected manager in the
۵۲ - علائی بینین که مسلمین میلواست ۱۹۰۰ - علائی بینین که است معرف میلواست ۱۱ - قوام السلطنه بینین که است ۲۰۱۹ - بازایه وهولت در شعبر ان وعود لامیلون و کن	. در فرمان جوانی یکی آز، آنبویها است	المغواهدا بوده والمختى الرات الألي از.	ي، مركرديد م از جمله آرتيب تاديه قروض
۱۳۸۸ مرام السلطنة ۲۰۰۸ مرام السلطنة معام مرام مرام معالم معام مرام معام معام معام معام معام معا		1 Solo to a strate which with the	متيجمع فحاني واعسطله امتيازات حتوز شوق
the state of the state of the state of the state back of the state of the state of the state of the state of the			م مسلمة تلويدين المتعلية الذي الريب مسايات
	ا المكبل شد موسيتو (سادر) جنو آن ا		
معدد والقاميد مست معدومات الالا ومرجع والمعديد والمعاد والمعاد والمعاد والمعاد والمعاد والمعاد والمعاد	and a local state of the state		والمنتواف بكلي خالد شده دانيته
فدعه بعيها بني معرفة به المذ معلمون المن في وراء مطلق في مر والعلم ا	و فقاع قدر الد تعل - روزى الكر الاسم	أموجيه، اختلال دوابط. انكليس و	الماليات المستخف المخلفة بتر المطامي تر مطال
معدوس ، منظر بي المعاد ، و معدوس ، منظر المعاد ، و معدوس ، منظر المعاد ، و معدوس ، منظر المعاد ، و معدوه معدوا	، و فقای قضیمی اش که دین (سومها ایت ان ایدانی با هم بلایات کودند م، دین است.		معدد به فلاتها الجانب، تجافق بالات ب بدملية
۱۷ - الملك الملك الملك المراجع		ما لازانسه، شکوله وارینیک ۲۰٫۲ اخلی آ ۲۰ مان. مولیه این این در جمه جمع به ما به معین این کرد.	معدار المعال ووابط الدليس والم السه استا
	. دارد که نظیرش ول کرتیر دیده (محقیقة ا	اروا سيم خواهد كوديد ، . زم ا	میں
دار را البنجي مي المعلم والمراجع المحلم المحلم المحلم المحلم المحلم والمحلم والمحلم والمحلم والمحلم والمحلم به ساحي عبا المعلم [قارين من المحلم المحلم المحلم المحلم المحلم المحلم والمحلم المحلم والمحلم المحلم المحلم الإصلى عليها المحلم المحلم معراقين المحلم	قسم بغارت کیوای فرانسه در برم مان ا	··· متكن الت از ا تر ابن اختلاف م	من الذكر تعانية الذكر تعانية
۲۰ - ساحی عبا ستلی افارور کر ۲۰۰۴ و کارا اور ور بودی به استان و اور اور اور اور اور اور اور اور اور ا	Carto Hire (Sector and Carto Sector		الم الما وي المعد اللك في ماية معول شده الم ت.
AND ALL THE AND AND AN ANY ANY WHAT AND	اذ يشقه جواجر كيد المراج الم الم	المحجمات محكم من محاصل المعالم المعالم المحمد المحاصل المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد ا محمد المحمد ال	" Contraction of the second
	and the second of the second s	مجرش الدام نبودم والشطلابي تازم	The second s
The second s	الدار متاحله والدريس وردينت سنار عليا الاسم	تروى كار تياؤ رند ٢٠٠٠	ب بسنة اللي القريم الكرا لي ها العلور المي .
۲۰ د خارات مه ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ می الم در الم در الم ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰	Level " and " and the second sec	ling of the line of the second se	محمد بالمحمد الأسلية المحمد المحمد المحمد المحمد المحم محمد المحمد المحم
18. كالموسى بالوجردية من المعد والما - سيامتيا البلد بالمد م 18 من ما 18 م	، دفیق ا جلور ،کمینو میتوانید،کمولیت ۲- و موسیا ایست باشد و در چین علموی	-ان لمع قبجب این جا است که با این. دارد.	مهود نبعزوز ديكر انها تود.
ren- وهون الدولة. (الج این طور زندگی به تبدین ا	جال سايمي فتولُ لو ويا چکونه الو الم	المابه ٦ مدان والمعلية والمن المطلى قرار أوافا
مجمد وهوى الدولة (محمد معام محمد معاليه معاليه معاليه معاليه معاليه المعالية المعالية المعالية المعالية المحمد	النامية موسيعي [بادر] جوابي شيديمد :	، خسبته و خرابي الساق و مشالات	الوان فالد طرف المجار أيوالي فشبر اسلامسهول
عر حرا ويعتر حين تردراعمات (ارزيا است جلوته مسكن جفو المول	ا المار عزيزم - آنها لي كردر ليست ا	بجديدة و محمدل الوقوع اليه را اين	ار با المراجع والمراجع والمراجع المالاسية المالاسية المراجع المراجع والمراجع
يهم: خودهم. کی این کار وا کرتم ا ^ن آشترا کی وا اجرا ^{میر} ود ا ^ن توا میروسید	ا شاليكر. سوسيالميت نميتند حير تلار ند ا		er stran en fransk skriver and the strange of the st
یک نفر سوسیا ایست بسید. مشد (میلواند) کر سالاد نیس جنهوری اجرای آین اسول بوحت افتاده اقده	و را شخامی که ادرسن خول منو زموسها لبیت	العلور با خون سردسی تباشا می ر نیایند. م	معدد كم مح محد المحط المحمد الرد م في المداني ومد نامه
	مانده اند عقل لدارند	فحايد مر مد م	الما المناقبة الماين خود يك مشائله ماهمتهاست. ا
فرانسه است اول و کپل خوسبا لبست بود . وقتی هم روزنامه قساد بود سوسبا لبست . سوسبا لبزم نمی تواند در ایران امروز			
بود ، روزی که زمام دار شد - ماد ابتی و توف مرم بنی توانه در اسام در امرود	الموسية بيرم وسيته است الواي دين الم معام الم	البته امريكا حق دارد كما شا بالمحمد المريحة جي واقع شود چه هر قدر اړويا	م ^{ید میر} پاید دید منافع روسیه چکونه ^آ جازه
اداره مملک به عهدته او واکدار شد نبلینات برای نشر مسلک سوسیا لیزم می		م واقع شود چه هر قدر اروی ا	معليه في اهد داد كه عثماني بامتنتين صلح
ديسلمه سولتها بالهزم جهز أموهومي است . * المكتله، ٩ ٢٠٠ سخاله)	سوميا لين از معنى مدارد	الميديم شعيف وانا توانكردد آمريكا	تماید بدون اینکه رمایت منافع سیاسی
این چهت نسبر عقبهم ومشیداد	د نبس الوزراي فرانشه يكي ازرجل هساسي	[2012] 이 안영공은 이 방법에서 한 것을 하는 것을 줄이 못 했다.	and the second and the second second and the second s
باز هم الموار مي كنم سوسبا لبزم اروسها ـــ كافرنها از ملت امرانحله		زیاد تر در دنیا قوی و تو انا ب	و تجارتی صلکت مز ور کاملا بیمل

a. I is rate. المعدد المعالم المعالم مدارس شخشی ال از وقتی که هده مدارس هولتی وَيادَ مُدْهِ ٢ أَوْ وَمَانَى كَهُ مُدَارَسْ مَجانى در قدران تأقلبني كشت اطفالي كشهريه المي دامانه وا دور مدارس عممي الم ک مفدولاً و على ي عنى كوليتهم بسلو ليحصبل می کردند آن ما را اراد کمه داخل

روسها 🛶 کافرتها از ملت ایوانچلو ار يودم براي اجراي امول سوسيا ليزم بزحبت افتاهه أند ـــ مردم وا هردوز نتوبق مبكنند مملك سوسبا أبزم وااختباد كشد _ مرام دلتمنه هائى كا ياسم اجتماعتون لفكبل ذاده آند طبغ و نشر من الم تعد المعالي المعالي الم العند ال

ور هم الموار على المدم شوطب ليرم بهتر از حر وستبله ادبكر براى تبل بمقام جسان مبدهد سوسب ايست برای جاء طلب ها انها راه رسیدن به آدرو است : حالا در ابران هم جمعی يبداشده أند كن ميخواهند از اشخاصي كه المشتان را بودم تقلبه كنند . بوسبلم سُوسها لبزم مي خو اهند به آ ز زوي خو د برسند مقاما الى را اشغال كمننظب ، م دوست خود ا درج کردیم-میخواستیم وإيشان لذكرة دهمهم عقا يدى كم أظهر و يَسرده إند منصو بإيثان لَبِتْ أَرْكَان وسمى سوسها لبيت ها كار ، درشمار. الله مؤدَّج ٢٠ خَوْرًا مَبِنُوْ بِــد ؟ سَمَا الله ابن حرف میاجیت ؛ درمىلکت منسل في وسله بي المعالية عنه المعالية الحكامات شديده ما در كرد . ووساى الم فاتو دارايته يركه معاسم وقرون وسطاعا

بزرك المزور أست الرجنديتين العز البه حمة نا کنون و کپل 🛛 وزیر و دئیس الوزرا بود. . و قتى و كبل مجلس شد سو سبا لبت يسبود ، بعد قا تسد ولبدر فرا كمبوق سوسيا ليبت شد فاحسدي بعد بة مقام وزارت داخلة ريبد . الفاقيا كار كوان أهن أما اعتصاب كردند . زندكاني أقتصادى فرانسه مختل هد . وسايل نقلبه الحواليد، شهر بأديس از حبث آندونه و ارزاق دوچار، اشکال شد. (بَوْيَانَدْ) حجد كرد ؟ الما بقون سۇسبالبت بود بايد بكدارد اعتصاب إدامة تستنقر ويهجه لعامه المام مین - خبرا ا میلکت دو وجه فحلی مېرود . او وزیر داخله است . مستعماية أقدام كند منكافع مملك وا ود الله بكبرد .

زیاد ۳. در دنیا قوی و تو انا به جواهد شد: اندار معالم ا ی ولی دول اروپا از بز زك ور کوچك چکونه راضی می شوند که جوادت امر وزه ابنحوى كه جربان دارد تعقب شود مندا می منفق شود به منفقت دنیا هم در این نیست بكذاردا اروپاي كړن سال اين طوو رو بخر ابی و انهدام گذارد in the states

اس مربور ال المعادية بالمعد ورجاني ورجاني . در شرق نز دیك مخصوصا در السبية المعقباني وعلى الخصوص درمسائل التصادى الماسم وقابت الكليلي و فرانسه در ادايت المنافع المن المت و از اين ومابت المعالي ميتواند المتقادة عزي بتعايد س me a reference is it children and and مسئله ترميمات وارد متدرجاكس شدت میکند . قیمت مارك که بدر جه خیلی بست رسیده اسباب خرابی اجارت محصف تمام اروپا است و این و ضمیت برای اروپا مخصوصا بجمت انكاستان كه

y marks 91

دفتار حكوقت تتنمانى شكايت نموددمودند

کایا محمد د از اد

1 stalles 4.P

ارشت البدانيس طهدان سشعبات مغصوص بروات برای معاملات مکارد ناسیس شود شعبات مَرْ لَجُو رَمْ مُطَابِقُ أَصول معمو لي نجار في للناها ملات بؤالمي خواهلذا لإرداخت ابران وشنورك نتكيل خواهد المان و

المبتر مستعمون خاف م مز تورا اعتمار إنهامه

المو كو رود () والمصا بدار الل المحار

خواهند اذاشت ابن تبالي الماشا الجواهم

قدود كم جنات خاليك اقليمان علكم إذ

لاجع بمخول المايند كان اجار الما

رياض ابن كمميون ها. رايا مكلف و

موظف خواهند ندجود که اظهارات و

ساعت از ناريخ وصول آن جا رساد کی

محافلی که با ما دشمنی دارند درعبلبات

و کار های ما مداخله نکسند هر کز

حتى يك شابنى هم واصل نخواهد شد)

کمسبون های مساعدت شحار آبران در

د وبه فرجزو شورای کمندر الحای

شکمل خواهد یافت ۱۹۹۳ - اجار ایران در مکارم ۱۹۹۰ - اجار ایران در مکارم

ملى جمهوري شوسيا المستى ساو لي آذريات

مقاملات بانها داده مى شود

خواهند نمود اعتبار در یا نک دو تی ی

از جنا بعا ای آشادا رم که بوسبله ایونید رمای رسمی خاطر بجار را از قرآب

إعتباد يعطى نباده الما معالمه المناد

يواسطه المقدان

بابران ا

معتاد متنولها قداملى جستير كدرنقا ومنعنى الاسالين مهتوم بداها عدا المرا

فوق مسيون نما ئيد ل

نېژنى نو كورود بدست مېاور دې

براب كند لهذا اينجاب فساق

بحان لشكبل خواجد باقت

به ماية يو المايند. المتار الك جان. ا مطلع فمود كادوات روس براغاجر ك اللا أمانيم و أزادانه التجار الزان اسه د باین به دستون ها مخا برم نما بد کمیته راین به دستون ها مخا برم نما بد کمیته اکاره بتوسط نماینده کی میذار اعضای ر نبو ای نو کودود) و بر عکس بایران العسليم السي السية السه فو أسول ها ي رَرْضُ وَ شَعْبِهُ فَوَ نُسُولُ مَرْى نُمَا يَنْدُهُ كُيْ مختار داده استد که بدون مانغ و برای شکایات ایجا ر آبرانی را در مدت کم ک ت اروسية در همان مؤقم و براى مراجعت بإبران زأ لعبار أبرانهم بدهند کنند (هو جند امید وارم کم) تین ٥ - از حالا أمام المخفيقات كادولت ساولى براى حمل و نقل مال التجاره های ایرانی که "بهکاره" فرستاده میشو ند منظور داشته است بموقع أجرأ كذارهم شده اند این لخفیفات حمیل و نقل بعداز مدت يكماه. از مدت مكاره مضمول خواهد اود نا تحجار ابرانی موانند بعسد از خالمه مکاره در پیانز دهم ستامیر (۲۴ سنيله) مالي التجاره مات فو ودامطابق لخفيفي حبل كنند كعدون نېژنې نو کودود) از اعتباراي کې مای مباعدی کر در باد اول سب الحلامات ابن جانب ذكر شده المت ف ومم تواميو (١٧ عقرب) على قواعتهم كري أيمو حياب أسر ودارم يكم المام مالي التجاديمة تبكر تيباد الدام دويود. - خواداري عن المستنع عوصد مزبود شغسا مابل بغزيمت بمؤره فسياشقه فو ادارم كمتها بدراجان فأما لموجداته الملايات يويني از طرف بانك حد دادن مك الهال وريدوي على التجار، وأ م الم في المعاد المعاد الم الم الم الم المحاجة نظر بابنكار مكن إبها تطريع فيعلدو يعدي دار شوه المامي كد له ابعمانهم يعيد اعتر بو لهدر المحكم عا محلمة المعاجد بشدم ويعدد فرايداء وكشر فدا والبادر منوية راعو إخباني الزيال قدود

حفظ شرافته سلام فثنايته تداشته والمعطمين مسر منز فدينجو في در المؤدمة المنا اقدامات وللون الزمتامات عالمه ملياشيه الا الجوالية المراف فوق الز المسوف الوياست وزراء والمراك المعادف ريا والااوار كردمديول في المالية الموارت خارجة الأساك كراديد كالقدامات بامضاء ٤٥ نفر از الجاريري ظام وا دوشهى مذارسة دروسية رك وناله الخفار الية ال طرف كمبته معارة (در ال فلأحد الملزمنه فحقوديهما يسجح شابريانه بربيج انتخان همت والمه معما روي كند ومخاليه وزارت الددر لقدية لظر المنكم الكرافات متعددى إزولايات خود مضر ماند الممان مزرك بالمعلاري متقدم معد وورد اكتلاده واود دغبروا حاين الجم الله المبيد (قاليان علماء به مل جن ملكك وازد خواهد ومداجه وال المناج مرجعتها المنعة واستعدوا فليدبون اعتدا وسرار المحابوه مشود و آقابان علماء طهلوان الممد واريم او الماي دو الما مد و الم ۲ الد الجارات وا انتشار دادیم اینک از لادة والسنه اند كالمه ولامات ور المقامل رقع این محظور را بنمایند و آسایش فراری که احقبق شده صورک مذاکرات للكرافالي كم متوهد والظهار المسات خبال زحمت کنان حفیقی را فراههم، الم المجلسات منيمبتون إيران و مأمورين أدو ات مينما يند جوابا از عمليات وسافدا بالى ك المعروس والتراجع به عقد قرار داد اجار ال برای اقویت آقابان علماء لیمد شده فبول يبشبها دفاجدا الم أل أو سنة آوردة الخويل وزارت خارجه شود بولايات نبز اطلاع داده شود المنفق دة كلمة مذاكرات اجد لمحش فقهظه بقبه يشماره قبل لصميم ندو ديازد كه خيارا ذر ازعاما والها المشلمة بتزادى تعاري حل الشمو جال بقبه مواد راجع به مکاره لبژنی بعنوان هبئت عامله انتخاب وكليه مخا سرات المعسط سا الذي علو دور داست عمال والتلو ولابا في است ولايات واقدامات لازمه هبئتعامبه طهران مندر مدرمه طرب آن دوست عزیز اينك خاطع لوسط همأت عامله اجرا شود الس الملا which is a set of the state of the متحضر مبدارد کی سڈوالالی کہ او این يع معدا عدا حرفان الم والمراج والدين الله مدان شاهداده از قراری که روز گذشته اطلاع جافب شده بود ومن حتى الامكان جواب مل شد آقاى آقا على نجم آبادى. المسلمة عبد الفظيمي كل بكمي إز أشخاص خوب های کاملی در فوق بانها دادم خاوی آ فاسبد محمد المرشى- آ فاسبدعلى شوشتري. الم او لاين بودند زوز كذشته ترخشت اردى المام آن لخامها الى أمي باشد كم أولت شيخ العراقين عراقي كانديدا نتخسآن بيوسنه ونباى قائى را وداع كنتند المعنية ومحمد المكراف الأشادي ساونی سعی دارد نه در الفاظ بایک در بوده اندر مالعيه بمستلونته آفاال حجج اللام دام عمل دوابط نزديكي بالمعاد إبران بر 1 to recent & best walks a little قرار كند داده و مندهد و اختلفات والتسلمنا جالليف المقدتي المدبحنون عمر باري مُعَارفٌ وَ أَوْقَافُ لَبَلَانَ أَجَازُهُ مَوْخَصَى حکومت شوروی منعص به مواب فوق ده بینسه به ۱ پانیسه می به به موکن خواسته بو دند دو روز قبل پ. موکن ارواحنا فداء از وعول عطيه وتحشت اثر الذكر نبت و بدين لحاظ خاطرجناب من موجوم فجار ايراني را از مرابي عالي و جموم فجار ايراني را از مرابي ورود نمودند . المجيدة قايان حجج اسلام بدستماه دين · كناك امرز المايان والرفاية د ربع بالمدار ، به می اور ذیل مسبوق ومستخد مبداره ۲ — برای اینکه نسبت به ولت بوالمانسان كبر نهايت الاتر كلان خواهند نمود اعتبار را با نك دوانی و بند. مجار سا بر انكها كه در مكاره شعبات خد را معالمة الأمك عاد المن داملان ا منابت مي سبوي به عميدة [قاي مبرزا الوطال لم نس المد والأعتراحة والمتلك الملبليون ا حاوف الن في الله كانبار اشد. امل . آبرامی منتهی مناعدت جه از جن ارسال از میکنند ا در استا این بسی من في الحدة الداني فداد المراجع المراجع مند و دارم می مارید و دارم و دارم و درود و یا نعصبل اطلامات و این اعتبار داده می مدیمی میرین میرین میرود. مدیمه یکی از طحیحالانی که و دراوت ما لبه بعدای نادیه جنون طحدایس میکرد این از معتار مان مارون میرون میرون میرون میرون میرون میرون موده در دیگر اجتماعی مد بعدای نادیه بخون طحدایس میکرد این از معتار مان میرون در از سال میل خواهد بود و از بال می خواهد بود و از بال میر این از مان از مان این از معتار مین میرون میرون در از سال میرون در از سال میرون میرون میرون میرون میرون میرون می مال المعاري بهمارد وجه اذحبت علوريه المتجام خو هند داد در مكازميال الدينة م من مور المديني المدينة كوار المولية موجو الولي مديني الا المتعاد الى. كو وزار ما الم الما والمسرة المكال الم الملي الراسط مسته الم يتر عديها المناف المتاق الم الم الم علم الم علمان المود كم إيام في المسافت الماسيدا والد وح العل عدد ومنتقرات الا والمعان الم المد والموسعيدة عداحق التدويني المربغوام وعافي اجراف مساجدته ويدا فعالى الرافي الم محجم المدرم لابات ورراعظام. إر دارندم عيما ابا. براى عدم العريق بوداخت المحكمة متى معمد ابن وكمكابون اها ور ۵ منه ۲ من المعال المار المن المعد اليعبد الي وجه بقرال به جند ورا و مديد منه ورسا و مديد من وما بقال والما المحلطة الحلام مردم شمر شمندر عدم والنظام مدايس وما بديل يبعد كوزاد تهمارف الماذيل المكبل خواهد الات المام احسالي در عال الرازل و دانيما . ود الميا المنت فا نون استخدام . كور ف الله - مود و الدد بسلم سد ، سل اي ه منت موقد المذارة مجد إن مبياجند النائدة (كانه) كانه مشارسم الهيد المديد الما من الموال - النوال - وت منه قود ان-ميلح بالمفتول المرابية عبيتان صوبي تناقى البقات المراسمة وبوارية فاجريت الديمين فالعام فليؤان لرجان فيتوقق والسوا ا دراین جا باید نذکر داد کرداد کردایی است استن آباده است. به کم بون بالظهار تلكر أزسوة سباست ومامسيداران دمینین دولت مربطانیا از نتاز خان و مال که متعدوه من جمله فقــدان معلم لالق منيه الهامي مزبور در الجمته وبالميت فوإنـول با هستنا بان المكن العالى المراعم للشود بواى كافى نبودن حقوق ديامت وسنظلم مدرقته مؤلوط روسى و از نما ينسبه كان انعيار ديه والمله غيبان المسلم وسد ويله المسلم المزمج في ناو دوس ما لعما المسلم المراسمين. بلوال من من المراجع مسمع وسع . يس المسامع المراجع مع المراجع مع المراجع والم المراجع من من المراجع والمراجع والم المراجع والمراجع و المعلق في قائبه كالناسي والح موشيد، كود والعان و سول البجن عن الله مال 1. - - way 10 -» كالسول عليه الله الماس بدلي أحت مع عد الملك من المربع المربع المربع الم من هم امبد وادم کرآن

المعلمين - على : الحجت والدائل عدق لمام فرها بسته از کمچا میروید و محمد به ٢] إسن الوان تنا الله الحر اكر من أ نورقت بدل. شعل على في كذارم الراب في في مهنه ديوان ديرات ريد. بي درسد مرديس بود از طويتحالى دفرايدى بكتيم ولي طبق كرده جزى المجرون آورده كفت ساعت سه و در دقيقه كم

الما يندو إ ، كَان تَعْد المحض استيسا الم خاطر عمر بع

بخواله ملابق خلموي دم دقبقه واقت داريم ك حوف ينبهم بكوه به البينم، بجطوار المعااسة فيتعصيطن مسرا م بليدها من فليكس داوي معروف بودم شد ختيد و كه به نسام فليكس داوي معروف بودم شد ختيد و ۵ دلیس ای کفت : ج خولی آسان از خامممو أوردا الأفقيتية مهم معيمه ويدار والمعار والما

آرس لوبن با العجب كف المنا كل كاتبلدوا نا علیمی کیفت بنہے۔ بلی خود او چیروز و قتی في منجو احتم الأراة بالمانو مبيك بليرم الذ جانه اس

معنا الماني المحالية المسالم المسالم الم المانية المانية المانية والمالية والمسالمة المسالمة المعالمة المسالمة مريدي دهمهم فكر المحالية المسالم المسالم المانية المعالمة والمسالمة المعالمة المعالمة المسالمة المسالمة المسالم ويون كفت: - جه قايده اي وارد لويون كفت: - جه قايده اي وارد آرسن لوين (فراد کرد و لی درین ضمن که دیت به فا سطیکا نکنت زیرا نور رستگاری هویند. به جود فکر برد در سورت جرا باید شراط شراول اسدا خواهم «د محمد خود فکر برد در سورت جرا باید شراط شراول است خود فکر برد این استوان آن که خون سردی و به قررس اوپان استوان کار کوت بعد نَكْنَت دِيراً نُورًا رَسْتَكَارَى هُوَ اللَّهُ شَدْ يَسْ بِعِبْقُ

اللر الل فالم الله فالمبت الله الله عد دولد اطلق هم كمخطب شده بعن مود المردرار كنهاذ بكما مبردم وداغ الواس آمي دا كم از اينفرار كالممى فرمانبد المار من من المدينة ديوار كذليت ورد كم الوشد فرداك بود الم شطلس دست كرار شماعت هلو قارا از معسل الا لوين حكمت الم بازادى ماد موازل دستانو النهاد. كفي بسم صحف في مامانا بعنه ، وي and comparing the state follow finding -الله يحمدو العليمان من في جز المم كاردا روي الملوب ويتحتى المقدول محملي ازار انطاوها باعد لازم إنتهلت كاتي مازرا حبر حميد المعالم بهذا فالبهد مهند المحمد المحمد المحمد من المعنية في عمد من المعنية المعالية المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد الم المحمد آرس او بن قد فكر فرو رفت و بلبس المكامسي الان كاني باروا خبو في كنام ديكر، كجا متوا نبد مستقر لولا ملسق کف : مسمول به مهم سهمین نعو دیگر می او در او دیرود به با وسید کنش کوزن داده ام و حدا بابد الماس را بدست استاور و می او از از با ماس را بدست استاور و می او از از با ماس را بدست استاور و می او از از با ماس و با بابا استاور او از از با مالو استاو او از از با بالا و از از با بالا و از از با بالا و از از با بابرم باز خار

را بدست می آورم بان آرسن لوين كفت :- بأس فراً من بشمابا يدر د هلمس كفت :- لملى خاضرم كه بخرم او پن فوق العاده خوشحال شده کمن : - حقا می ا انکابسی هستی و این کار داید آسانی ختم خواهی and the metalicity of الهلمس كفت : لم وجه قبمت مبغروشي؛ دو ي جون كه من كمان مي أكنم أو با هم نيتب كر وي هلمس كَفَتْ ! لَم بلي أو قبف شماد محسوا زل: دستا نز إشكالى ندارد للمين فَدَر كَافَى أستَ للبُمَاتَ

آ^رس لوپسن کفت : ا خوب حالا که مى خواهيم صحبت بكنيم بلى الماس أصلىداخانم موخوماتى دزديد، ولى جونك آن وقت من خبال های دیکری همدر باره جواطران کسی داشتم الهذا معضى آن كه طرف موء ظن وأقسع ندوم الماس آبن بدل وا در شبشه کرددندان قو نهول مقاليه مزبور كذاشتم شولوك هلمي كغت: ــو جُودْالنا لماس اصلى ر مردید معاملی استاری کردید این استان این استان از استاری ا آرسن لوين كفت: والح أمت 11 1 المسلم المراوك هامس كفت فاخوب من اين الماس المجام المجار المجام المحاج المجام المدين أوبن كمن المجا هزار السفرض مي الله كاني ماد تبدهم الأدار فورا دستكبير مبكند المراجع مر او ان ملمق کن من من فول به

111

ali age lake that - a ·2 1 . 4 # Yok said a the disastante magnession and a prefere a little i 1.4 4.4 4 4.4 24 24 53 " H الم الشري الاقتبدن لمالهم وودة تستبت وكردند ابن حاصل مدارمن، مجلسا تل شدند بد بابن ، ارتب عجم اغلب الأم بتصاخبت ذره سفر زيارت خرب غده هو طبقه مدرسه در مضر بی که مايدات مدارس شخصي او به المصان. و رمعنی هرم بقهسه مشابعت الم ـــ از حبث استحقـــاتی ــــ برای هر للكراف از كرماندا. بطبران کـذاشت ، اداره کردن آن هامنکل كاظمهه ملحــــق شدند و إن حركت طبقه مدرسه قائل شده نودند ومادرهالا نا كريلاي ميلا آزاداله بود يس از آن فد . المراجع مع المراجع الم الله الرحمن الزحيم محمد من شرح دادیم. مديرانش بفكو جاره إفتبادند حکومت بدون هبیج سڈوال و جواب و أقايان عطام و حجمت إسلام دامت مسمعه دانبد به هريك از مدارس المرجع اختذ المانه از دو ل معدد بدون اطلاع از ابنکه غرض از مما فرت نكردند ، بوزارت معادف قدار وارد ددجة ششم در ماه حه ميلغ رسبد ٢ ــ نظر بلزوم اطلاع المصبلي آزذوات حفظ مي طرفي است مداخله رنبوده اولا نوزده قران و دوعباسی ا آوردند . و کسلا را بك يك ديدند. قدس از پېش آمد لازم است نفسبُ لا سبدین شریقین را قراول (محاصفره) برای الکمیل اطلاطات شمسا قرار شد مبلغ در او دليله منظشون وا عاماني عكرت والاشمال مخر كت مما نعت عدض شود در هشت ماه قسل ستوالات صورت این القمیم بندی حمم قر حمین we we shall be we had as she is july in the وارده والمراحا ليحمدر خموص التخابات کردہ ور اسماع اپر انبان عاز میں سفر آ اشماره ويطبع المبرشة المله المراج والم وكلاء ثمتراكم وحضر لين آيتسين دام شش هزار نومان در بودجه خواسته بعد از اطلاع بدواسط، پاس مل به انتقاد دارید ۶ می خواهبد ظلها باقتضاى نكلبف شرعى و ديانتي ويهرباك كذشته وامال إز بصوب متعلس ندادن همه را: از خر ک ممتودندو ده بكو لبدجرابه دماب مدرسة ذكررشهم تبذشت . نقسبم آن ومهسد. شورای حكم بحرفت فرتوده كاين واسطه حكومت فقط ۹ الومو ببل مراى خضو اين آيتين-المومان ويه شي ودومات مَذَرَّتُهُ (15 أَقَد ع الشمعارف موكول شد ملت الم ا دراين مدت نهيج وسبله باجراى انتخابات آقای فبروز آبادی - آقای حوا هری الدويست كومان داده ^{من}شد المشخبال دار بد مراجع المعادف إجد الملي لاً المراي اختباری جو فق نشده یس از یا س از مسلحجج السلام سربلام و داعس كنبد لجرا به موجب استحقاقو ١٣٩ تسهدم باخذ قرار داد ٢٠٠٠٠ ... و محضرت آقای اخوی کے لعبیان و آن اواسط شو ال اجرائ فهري آن المروم المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجة المحاج ومرار ابين مدارين ، وكور أقسبهم را عمه كمان الدوارد و - لهذيد مختلف به برای آقای فبروز آبادی که در موقع روې سيصد نومان به دوبان مدرسه بن کور وي از نکردند ؟ از خودنان مي پرسيد مکر لنقبه در ضدد الرسم مد أنفض ازمادات حركت نبوده بقبه را در هشت لوفويبل يشوداى معارف ميجبون بودريه حمهمدارس دوييت الومان به سي وادو باب مدرسه محتومين راهم أرعايا للماقين شامؤ فالمطنن القوارت غبرته مساشنه وأحفعهما مشرؤم از بلا استثناء ـ اطانه دهد ؟ يخودمبكو أيد انات داده شود" . المسد المؤدة ورأبو اسطة التديدو الهديدات موادعه آفسابان را از کربلای مدلا ولم المجمدان في خور أرا فرس كرد و ماهی نوزده قرآن و دو عیاسی چه درد الكومت سؤالات تتراكمه أهالي قاركم حرک داده و از ورود بکاظمیهمه دود. مدرسه را دوا میکند ؛ ناسف میخور بد المسا مولتين الستاية الين حشن عدة كلاس -الملبف حالي حضر أين دام ظلهما رأ در · نعوده مصالح أغطبته (1 كم أسورملسه كه جرا اين يول اينظور ببهوده تحسيم با بو ديد، مدرسه دا خاخر، قراد داد و ، مذاکرات کاظمید، دن نظر، غیبود المریت محادبكرا عظبمه انداخته منجبك أزرخص 2 11- ille lieber and i and الا ميجد أو مان را السهيم بلي تسبيتا ي كود . داده الانتخابات الماء حكم المغرمة با شايدسؤ إلات شعاهمة أجاوالملراضاب صورت لقسيم يندي را در اطلامات متغرقه فال لانسزم ابلكوت معنن إدرم الشما الماما صحبنا بالثلاة اكر الطا بكوين امروزهلاحظه كنبد _ به بزر كهرين الملكن لداشط مستخلص از المتام أاين بخط الرجن دوسانية كودرا فطار مخطوس مدرسه الم از حبت عدد كلام الم مر الك ا معاينا العناى ميتوادات معادف هم محاذير منحصر بود كه از دلا سام مادر كه در غير موقع قوق الماده بت لود لله اله عند الشال المتهارين بالمال إبها شما هم عقبده بود مسالمجم فكأبده و طعان او مان و مه کو کو که از بن آن ما الناز والانجام فلتخطبات ذلا سفر زايارت فورا خركت داده مقارن غروب بتجرجهم الزطرف وزارت خيارجه اعتبارناهه قدرى انصاف قدهيه، و به ببنيد دو جه ۷۸۰ وست و شن الومان و جودده ای ارض اقدى عورامان مباعد ولي فينا بو كالمعادان ولعالمهم بركاي فيجوزه وبالى و موقع بودجه ايت إلى معارف إز لعويب المتل ال مشكوانيت الحكومت البيح الفرنسان (آقاي آقا جانها ، الدين جوافي الراسلاميون بعالجة بعجاد المعاد المعدي and a comp of the Tate واجع به مداری انات بر آنهاری معلم کذشت ! ملاحظه سنبد که دو لمافرت حظة خازات اقدام تتود أكن بو حسب استحقاق و رايور نهاى منشان الله حوت بودجه تصويب شد و فقط از. كمنتك فحنفة آقائ خنعة الاسلام خالمي الموده بش ال توهيق زياد و بردن دار. به شش دريبه لقسيم محردات الم المسلمة الم اول سال جاري وجوه هنة كمامته 1/1 قسيم موجب متارعة التلاعي البن الأوروت والمعن الجؤق ابتان را بهرات معلم مسمع فالمراد ومقوين تشتدها ۱۳۴ مدارس درجه پنجم حو او او دربوسه ۲۵ کردند ¹. در الع ارم اله ۲۰۰۰ . أبها كاظلب على متر ثما علام بولا دو حل ما ذرين إجازه بداده اخبر واريل ور العد ويف كيلي فا متر والدول المهليه منعنى غيدا لجنبا واجلا بأسال الحكالات امال مستلدا المستلومين نعد كروسا كاظميد ممنوع از حرك بهرست بوده الدنتهي بمعاوف ريامت كابينسه وزاوت الله شدي _ ورجه جهاوم سعا للاامر ورجه الكدشتة الموة . يناج المين المرك سجيعي مع *** ششم شر و همین طور نا درخبه اول ک شود و در ماورت عدم مناعات بو فعرام المدامية ان آن بخست عواديه فيف ادر المارجة بو قرار شدند. [قالى مبرد البوالحسن ١٠٠ على برابر درجه شيمديم اخواخته براه ٢٠٠٠ مده بعد تخدان مها نبيت ، وبد اسم منادى خزمتا للمخاتات وم ازوم لما فرت يا زيارت ساميم. داد. المديل نيه الخلاجة المعاهن كارتما في الحق فتهوي ذر متوهم اجراء فهوى آن "اخذ بإيجام الم الم الم مدارس موسية الم ملا الم كرد من أمد مبلني يكه ور يو بعد الملور ا ندار د شده بروفق ارول هدالت ور نصف ؟ قاى علالمن الم نبز: الز: اسادة ه الملمن : أو ما شعال له وبالاجتر احد خراسان الله إن - از درجه يناجه على التر الم الماقة المسبم شود ورجه جهارم دوازده اب - از درخور و و وسيله سعر خود الما يله و الما سله الماسة المعبأت وزراء -4.20 المرور المدينة ومن المسر أقاي حکو نه 🗕 يتوم ينج باب ـــ از درجه دوم چهـار و آجله مد، مد الله و فر شود الله از المعالية والداجة أول دو إب موجود ورد در شماره [بنده حو اهبه د به الحرارك المفتر لين الا انجت اشرف لموده المدخيق بالودداع المبغرياء وتهمده ملمنول أذ طرف نجاد أبراني متيم اسلامسيول المطاعة المعجبة الأوكسنده المسالم الموطان علىبه يهي خوزاده و خيون علماء ازعرب مراجعه امورات مهمه بودند مقارن ظهر مجنوان زيات وزراعتر منده و از سوء الما ما يون المعالي المحمد من المعالي المحمد المعالي مي المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد الا بالا ماد الم معيق الجلي العداءهات المحمد والمعالم والمعالمة المعادين والمعادين والماح وكلفا لومكف المستماني كالشأ أأتوشتر مال معالمه الا الو جمعين الو چن ما الم من الم الم الملي المحسا التي الدرينجا المعليوسيد (ان از شنیدن بن مین مین مین مین حالتی که به شن لوك . از به منیدن این خرف همان حالتی که به شن لوك . I la land at a co lated and real موسط المار مجاهله بالان شر لوا جلس:) وقد و من

وا والم معادة با المارة منابعات المن الملك المعامن ود الومبول ويوود في المروز به تركن (تاليف مورس لبلان ، the star for a second prove the الله مجر من الدين بكنهن محمد من از ابن فرافعه ك المستشما از دست كالمبتن كمتنى فراز كردما بدمن زياد المنعداني والعجب فبستم ولى أز أينكم أنها در متآبل من حاضر نهمه ابد من يقين مبكنم كه للافها و انتقبام شما فوق العاده كامل؛ و(اساسی المت له ، ، ، ، منه العاده خوشحال شد. و مد استی نفز دو ساكت مسيبين مراوك هلمس كفت : ـــ واشخ اخت هم أن طور امثن اي های مجاور است.

الما به شراوك هلمي كلام اورافطع كرده كمت: شو اوك هليس كلام اور اقطع كرده كفت: ـــــ به الماء ب شو اوك هليس كلام اور اقطع كرده كفت: ــــــ به الماء ب او افتاد مه آما ماطر آن جدماع باشد كو لمام به الماء الو فراست الو هذا مدن ألك خس إشاست غريبي باو ی محمد فی هوم شده اند بنا برای با با بایی بالی است در به بند. ۸. ... افتر فی هوم شده اند بنا برای با بایی بالی است داد که کاه براه مضی حرکات بچکاندازو سر I south the second of the seco

الوین بولو میکرد همان ، همجان درو تی همسان خس اقرار به منلوبت خود جارم ای نداشت بس روبه ا شراواد هلمس لا مرده و کانت : 1 ابن بغمای کارما درور حدایی دیکر تداریم مسالب مدیاده. درور حدایی دیکر تداریم مسالب مدیایه مسال يدر بلبس إنكليس أز المتراف آدسن لوين فسوق . ابو دند به برام استان المالي المالي من من من من من المالي ا لراني آ رُسن الوين كه در منهن متانتو إرامي the design of the - خوب : - خوب خواهند كيفت آرسن لوين والملك المراتوك خلك المعادة كا المحلاط فا المحل الأخران الأد شالوك خلص والمحاكمة المتساد المه كمات : ب مسهو خلمس من اسف

المسافة في الجر المنظر جا همي . حالا ديگر التنظر جا همي ؛ شر أولة هلمس : _ لا اَحَدَ مُنتظر حِبْ زَقَا ، ير آ يسن لوين : - كه كانس مار با دسته اش ا يبايد الجوب لجرا المثطلي المن محمد الحيث فلا ال الم مشر لوك فعلمتني كان المعصوف ا من تبتر دمام كه داخل نشود لبالها و بها لديه بالعار الم آرتش أو بن سَمَت : - اوهم باين امر دخا بت دارد کی ا م شر لوك ملمن كفت¹ : من من أو أ خار كار های خود دخا ات نمی دهم مکر پشرط آ نکه مطبع من باشد بعلاوه او کمان می کند که مو نلبکی داری همکار شما است الم الم الم الحين كفت : - من خوب أز أين حر فهای شما حبری نمی فهنم تاجاز سموال خو دم را قسم ديكراً مبنماً لِتم براى جب شما شها داخيل for the terre to the formation مر اولهٔ هلمس کفت ؛ راستی من مهخواستم قدرى حجت فياشما ينمايم إين خيال شو لولتعلمس خبلی مطبوع آوسن اوین واقع شده ک

إِنَّا بَانِ وَرُبِّاء نَبْرَ بدربار إمد، نعد إز ظهر جلسه تشكيل بافت حركت نمايند كان

روز كدشة قبل أز ظهرشاهزاده عفد البلطنة و [قاى حكم الدولهوزير عادمو معارف مدر ار - آمده آقای د لس الوذراء دا ملاقات بس اذ آن مستقيما عازم كرمانشاء براى اجواى اوامر اعلى حضرت شهر یاری و اطلبمات آ قای ر نیس۔ الوزراء شدند . مه

الزار المالي موفقيت دولت الح بنا بر اطلاعی که از محل موثقی لحصبل أموده الم ور نتيحه أقدايات دولت حضرت آقای خالمین را از حجاز عودت خواهند داد كَ بَأْبِرَانَ المُرْبِقَ الْبَاوِرْدَ الْمَبْدُ ال كَ رضابت خاطر آقابان تحجج الملام توسيله اقدامات دولتابران فراهم شده محددا در خدمت إقاى حجية الأسلام خالصي بمراق جرف بتراجعت فوالمندالة

معوفي قياينده ميختار جون فرمان نمایند کی مختار مىبو المؤمينا ليبكى إز المزيارة ووسيه وطبيده ووز کرد و در دوفسرسخی تغداد از شط م تنشیسهار معالز ظهر معنوماعلیمندت دجله عبور داده و از ببراهه خبلی دور 🏻 هما بونی مشرف شده فرمان نماینید کی حود رانعلام دادي المعاد

بنام أقاى مغغم المولة تنغير كبير انبز روز العد خرك داده بططبه وارد مركم وردر بار الم بقرق مى معلى ال وابست سفارت كبرى بشناميند

شدند. آقاي دخا خان ر نيس فين بست كار كدارى سبستان منعوب شدلد the beaut of and ales to

، روز کذمته ، الکراف شکابت آمزی

خورم كه تواسيطد العليات الكعلي فيندلي نما نده الله كه بشيار نيباري كمنهولي يدى آنسندوي شکته اکر بابل بانبد با کنار آین وزیر می وانبد به نشبندورجت بکنیده و مواند خواهن می خواه و می مواند خواهن می کنبر. با تسبع. و قد معالمه شرقه علمتها ما منه به لغ بشر اوك هلمس كفت :- اهميتي ندارداي-تا ده I intro million in Batting ." آرسن لو پن كفت : · · باراد خوب من كوش من كنم ابفرانا لبعام الحلية في في ال ر شر لوله علمت ، كفت . ال الابد الماددانب . كأعلت اقسامت مسين ادر فرايلية الدينتيل بسواى و قبف و دستکنبری شما بوده بلک من قد مده لنقبب شما بودم براى مطلب ديكر كه رواى وسيعن

بيقصود خودجبآرماى غبر ازدستكبرى شخص شمل نداشتم بر ما اب بیشده و را مشاهید می طلیب آرسن او بن کفت: - آن مقصود شدا مجه بودهاست ؟

ت المارية بديلية عديد بريد المات أبي شراوك علمس :- ببدا كرفن المات أبي ٢٠ أرس او في مثل كرو مجاهل كند كد - -الماش آبن مجارحة حابتها است وسنعه الما



At islation of

2

(5)

مناه من على معارض من المعالية الما الما ي مدينة بالمعالها واطريه الع with when a second in the second آتا وشببا حقيره إبن محمد باقر أحقن ، تموده دو المتن تظارى همه إشب 10 بمنزل بت يطودي كه اجعان ينبشون تقليزا يطالبا عثار البه تبقرستادند ديشب لبم شاعت حاج شيخ اسدالة إبن سبد فاخل عدد إودات I believe the same same said د داخع مبابران ی ایم یا دهد را خرق در آب با به ا اکد دور زاملاقانی با کرزن بعمل آور ده از نصف شب كذشته از قراب لقريز قراول ilin دضوى إقل كافلم رضوى أحسقن أمحمه بود نظريات موسو ليتمه دا در مات ممثله ها سه يقن مجهول إلهويه قرديك متزل وشوى خادم اهلعلم يوسقت هادى موسوى المداء آمل سر امروز من على أكبر دوهن لقديم داشته بود دولت ايطالب در المقبب الكرافي كه از وزيس بالمان تظامى مصدر قلمه بهكى آ مل موسى خان شده بدوا جند سنك انداخته و بخيال شريعت بحرا لعلوم على قضوى شويعتمدار مختار انكلبس مقبم طهرانواصل كرديده يسر جلاء الدولة رئيس قدون آمل را متمايل بنظريه دولت الكليبي شده ونقشه دخول بمنزل برمبابند قراول بسةمحل على زضوى ميدمود رخوى محمد رضوى اود اودلا متيكتن) رأيس انجبن إيران عبلو کبری تأمرض شلیك واقم جند امر باقاطر مببود كردش در مراجعت مى ، آندولت دادر خصوص غرامات پذیرفته مبرزا آقا دامنانی مدرس علی زشوی .. مشنوبل اقدامات لأزمه براى جمع آورى از طرفين شليك و 'تا رسيدن كمك ته خواهد از رود خانه مراز مور دهمد () الم المعاد () المعاد () المعاد () اطانه] برای مصببت زدکان نربت حبدری الا متغرقه بر سف الم المعا الا الم الم and the two provides a lot open services مخطا مبان أمو فني نفر إر أمبكر دند نقد احكو مت الرواسطة في اطلاعي فاطر وسط وودخانه خلاصمطوعا سنها داخله الم الم ي ال يحدون ١٨ جزار نفر إذار كران and a standard of a standard the second of the و أداره قطامي در مسدد لحقية. قضيه خاطبته هردو در آب فرو مبروقد المريبا کنتی ساز در لندن اصلیل کرد. اند of Bay and the per main and دويست الفر المادة و سوار از طرف (3) to real field work have seting 1 ايران حفت جزار تغن چر متهجستن بالصب تغردر المراب المقرارت والمتضارسة المتشار المظام الدوله حكومت أمل إعزام ونعش in the set of the set of the set الماية بالمسامح المسرطان لبور پیول و ۱۱۰۵ نفر، در بن کهنه) الم من من عدة از علمان أعلام المستقر الخاجي على خان وإغسادسي فظافي وافترديك المنكو كلا يبدأ اعتصاب نموده اند . يكي از كار كران المن المحددة در آوردند احقبقنا الحكومت جديتي كه يعنوان اعتراض مر تسعيد إخبر آقاي 100 ليشكار أسالار متستور با يُدرُّش بقريكَه مِي الْمُدَارَّةِ الْمُودِهُ أَعْشَ نَظَامَى رَابَا حَتْرَام رام آهن خطباب باعتما بيون در السمن حالمتي و دوا فرزند ايشان أزبين الهرين وووود ملك تحيا معه و ملخ فقط با المثين كدملك متطورا الدوله است رفته د من رود، و لی جنباز موسی خان الم الله و من رود، و لی جنباز موسی خان الم الله و محازات الله مع نمود. جنبن اظهار داشت در موران که خارج شده بتودنعة متوجد أيدان أسده حيها وسلحا توارستمارت فأرا مراجعت لجهسار أفظ داراي استقلال فخو اهدشد سام تقلال روزى يك شلبنك إضافه مكار كران دا دمنشو و و مسلمت کرمانداه خرکت کرده آند . الفر " كوفته " بزاء ان اللي " بو فد الجهار" ال الناي باشكو. و المفيدي است كاروى كلبه كار ركران نقلبه اعتصاب خواهنسد در من علماي ايران هيجان و اسطوابا اي روز چهار رغبت العد کود را حسی و دوستون قرار كرفته است اول اخلاق الحكم فركما المتداخد المستحصة المرامية دَرْ هُرْ روزْتَ هُوْ يِكَ [`]از آنْهَارْ ا^{ِ شَ}ةْ فَصُلْحُوْ^{تِ} the set of the اله بدركان -- امروز قبل از ظهر افراد بأمعه و دوم عمد ران و آبادی ي فرانيه و انطيس و بلزيك ... (); stilling tigs that is mittage if the The second second second second أَمْنِ نُسَدَ بِكَ فَقُوْ غُزِيرٍ أَمَامَ كُمَ أَزْ حِهار مَاوِرَ أَرِضًا قُلْيُ "َخَانَ ﴿ نَبِسَ قُواى "ثَلاث أَبِا the factor بي أندن - بجنبو مباسي جريسة 4 Kc - 1 المسمنة فأبر شمند فراق الخطوط مشبك المَرْ أَمَدَ مُورْ أَشَدْ بِعَدْ أَزْ كَتْكَ خُورُدْن المستجدة سوار ويتباده نظامي ودوغراده لوب وديلى للكراف فيتسبين إشعسار عىدارد طهران 📜 للكراف واسل از أراث متصل فشرت شكنج واياهاي اوارا أَن وَوَجُودُ مَاشَيْنَ وَ كَارَحَا مَهُ وَ أَنْ عَالَمُ مُوَ أَنَّا مُو بِكُ الشعبية المبو وارد الويس كان شده وبست به طوری که نصور من تود پوانهاره مجروح مي كنتد الهورى كه قادر به این مشغر است که در قتیحه سیسل و اراضی شیر و خوم و ار نیاط استام الله المن از زمامای قریه بابا زیر که دو نفر جواب دينجي كمتنال يبقوالات انكلمتان فراواني فريه جنار) و شاغهاي المراف مُعْلَكُتْ بَاسْرُ أَيْغَثَّر * أَبِنْ وَسَا لَكُ خُمَلَ وَ حركن نمات و مشرف بلموت است شبائه مله سلم فعالمهم ولك نقو مغنين وا المراي كشف داخواهد داد و باه اه الم محمدة المرياك كالمالي أبقوبه معربور أدفنه كحتك نقل و حريان الجارت و زيادي سادرات زن و مهده مذ و گن فرارا بحکومت حراب شده در غلات و مواشر حدارات C > June Tely and laky comes و للغاني يممل آمده بالغ بر دويت دينعته ورايورت قدنيه دا تحكومت ميدعند ئر واردات علائم استعالات یك ⁶میلكسی است 1994 میلانم استعالات بك ⁶میلكسی الم الله ودة مؤدنة ودر ادارة فشوقى فوقيف ن این میلا در ایک کی در دانه به شر میدار کراین، پن ، تونید و معدای المكومة المور أهي قريبته خند قفردعيت الم و و و الله عليد و الميدان الويشر كان (المام نفر یے خا نمان شدہ اند 🚬 د I in make fill inpate 1º محبوسين وأخلاص و يستغر مباور د. المسلم محمولها فرا التنبه تلجت التوديد وانيهوا وزابلزيك اجرونها ومعر إذناه تجد المداخيرا زبن لرزه ديكرى دؤكريت and a land the stinker of a still be and the رمد به للكرافيضانه آمسه، متحسن و ويحديده بمالهما المنشن فلالم تتكر الما لالم الم الملا عات عرف الم الم بذارت اجري خارج، جرجي الم بوقوع إبوسته موجبات وحشت فيجابرون متفله مشتبد فلط رملي الم حزين فاقن است المجامع المسترين المستحي المالي فيجمل الا استعساع منا بي مر بوطر جنين اشعار مي وار ند 🖌 Indian La stall جبای بدون اماوی ۱۱ فزاحم ساخته است به الم الم المعالية الم المان الملياء وكاكن خودرا المحته حكومت بالعور عراى اختار حاجي خلى ملوم ليبيت جواب ومبتبي باين فرده مورت الجميم ايتدى والسلا طوعان كر أز تدو ريس بدلسه سي ايوان عادر والبجل التلمنسي خان مايدرش اعزام داشه تتبجه اقدامات المدار الكراس ويغاثه أأجده متعصن تنفى باشتك هیا از فرانیه برسد ... منهو دو از از طرفة المعليل بوايا المدادس شمعنى فر ببته عكومت لمرس فبرسة المتلغب فروه اعلينجنيزت مسايؤنني شزوع بجمتم آوريني عدكاء، وذ دار أو المركز اداسي به بجريان باربع جنبن اللاجريم عد كما كر ا ه د لوت از دن الله الله الله ماشية للوستنقين فاو اوسطتوداى مارفت اعاته "رمة اند اللقصوت تتخمل جزار الما الملسة الثلاثان الرخد تبم العطيل عمومي باسى فرانيوي ليبيث يه فنابا خواق the stand of the second real of the ابن، قسيم بندي بعط آمد: 2 البرة مرجلته كردة الذ فاشارام والز أو بسر كان. از در قام " ما يسرى يين وحي واشتعر و المن بالمعاد المستلد ك المديد الذاية المثليم الماطة بيه تشلك الزيك كَلَ دَرْدُوا يُوَ رِنْ اللَّهُ الْعَرْضَ الْحَدْهُ الْمُعَوْدُ الله إه ي بدان المن الما المطيد عن الحد المسجد الله الم المانية المانية المانية المانية المانية الم ال يك رهفتيه عن جوريد المان وهدا الدون الماجد المجاد الم فقوات لا اليو بسورت الو الموردة كارد العت عزيمك المعودة استل يبتج التراز الدلارة تبسنن بيها الم والجالي المسالي المستعما ع كال المنطقية وميا ، ينوراهد النجاجيد والسها وليل قردوسي المسبوعا المسب معلا - معلات معالجه است ديروز فوت شد اور أضا الاطرفانيك المعلى المراعة عدة المت الما المحالية كازاية الأثر عقت الالا كين الا باذار و ضبنا إظهار العجب المدن-وال المد الله الم الم الم الم الم الم الم حسستار موجود مد فعلز فارك لتشاسا ينتسان الم الم معادلين والم معاد وتشعد المزاود حكومت ولى خسان د ثبين قواى ثلاث با مسده حكونه انكلمتان غلتا إسرار هر حل الحاديه غاشين ب العبادية فروازه سوار إبادة الملام المرف الملاير مواجت جديد شهره لاه قيز لهيه تمايد 🔄 👾 المالية في المقد المالية المرداد " به المشجع (مدلا تورى فنبه روهر دارو الها قزوين مسنوشيروان مشويعت محافي وسا We then the near the providence of the start le ()) scher with the ele ويوة الكوم المتنول مصاجع السلكم مساحاتها والتبليه درمود في كم فوالدوى ها يهيجوجه المراجع . مراجع . به روهو المتهم منه معنفت ، هم م ومنبا لبه هريك الم المجرية مم ٧٨٧ ا مسلحة مراحم اولناى دولك امبدوار، امودهن المجاولة المت عدن الاستريق المالية علی مرای متاب زد کی تیں متسعه و بعلارہ حسم حسند تا زمانیکہ طباومت YTY - AP. فرقب بود اها لي وا فوقت متقاعد لمؤدة الما المريل المار از اقراري كه حدر وسيده my - Age smarter and in the states احصا لبه وسمى بلزيكي جنين مشعر است میں میں کہ ادکا کین خود اور از ما نیا بند اف لی طاينه كريك وحصين وا كه مواى ووت منى در [لمان خا مه ويدا اللينه ماعل که در نبسه دوم ماه ژو تن مسادرامور جمع مولدی که به دمباب مدرسه فوق به الما ي الملام و طلاب بمال سا بق خود کاری آ آ نتر، زدیم بیرایت روجامل جای مداكوات بإ دولت عشار البها تشوته فراتسوي وبلزيكي قريب معالم تغركان - He .. He is al way is وهاتويران نموده تتوانسته اندخاموش ولى مى جواعند قبلا مدانند كانكستان تران راء آهنو جهار هزار فتراعينای ۲ شیر اوس شخصی انات كنند الماما سوخته شد يك زن سوخته حه متدار خسال دادد از آلمان و خانواده های آنها را از نقاط اشنالیه المالي المالية المدار قران فوت شد وبك مرد هم مصرف بموت الت پروجرد 🗕 آقای امیر اسم که خارج کرده اند ا خارج کرده اند ا متفقين وى تقاضا نمايد المف قرا المكو الموسان مس فرحبه توباوكان المهما إسمايي الز المساي الجنبي المفار بوادلد ابه Transis de son caracteria à ابة شمى المتدارس في معدرات ا 117 - 0 ... حکومت خابلق وا بختیاری شمین و بجای the delays and share the topologies of the topologies to تلكراف او حبدان ، ب به ما ال ايشان [قاى تصرت الملطان اراى عضويت الحدثات الد نصر لبه يرو كيان الم الله · مقام منيم تعيث وزراء عظام دامت أنجبن فظار انتهاب شد و معهود است minimizer a great it a where a great المنجح از

المنظمة المناه بود من الما مده مدهم مده	دریك ۱۰ ۲ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰	شو کنهم آينبه آقايان حجج اسلام دامت م	از روز ۵۲ دی قبده شروع تو زاخ
and many to be downed downed a many the second down	عفتهه أسلامي - لعرقي بشبات -	لجركانهم كسيبه مرد آزاد از يبش آمد	المورقة تما يدومه بين والمتواجع المتواجه من ش
	حَصْمَتَهُ دَوْشَهْرَكَانَ - بَنَاتَ زَهْرُو بِمُطْهِبَاتٍ	اين قضية مولمة لبعيد آياتات مراجع	الملبل مدرسة من إن المدر
طهران خريد الموسا بعد المانية من عنه المانية عنه المانية بالريسة المانية المانية بالمسلمة المانية المسلمة المان طهران خريد	W- V.	الملبد عموم مسلمين روى زمين عا مدم الما دان	ابوانکی ۔ از قرارمذ کو ریواسطه
	به الى غرببت دختران 🗕 نواختران 🗕	مدان فوق العاد، از همجان و تغرُّت	ب منه کمر سبدن حلوق مدیر مدرسه دو این اسلامیه
الاختلال وسام القران والعابية لما قوان محبب وتبالا وسام المعارية الم	فاطعبه _ تصريبه فرهنك _ سادانبه	ق انزجار؛ قلب خود وا عموما در اين	المراجع ابوادي و مسخد مين جز ع از اول
دين محتوي قران عليه قران الدن محتا المعني المعالية المحتال المحت	پرورش ناموس _ انتظامبه _ عصمتیه.	توهین و هتك اقدامی كه قسبت بمقسام	المعادين فده الدنه ازوزارت معارف نا يحال
	اعظمیه ـــــ محد منیه سا دان ـــــ محمود بـه	مقدس روحانیت بی باکا نه وارد آمده	المسبغ هو مضبته بودند از دون شا نزهم سرطان
، السكرافي ٤-٣-٣٦ ٢-١-٧٤ باريس المرافي ٤-٣-٣٦ ٢-١-٧٤	دوشېزکان 📕 غضت هويك 👘 ۴۰۰، 🛶	ابراز أو أعلام و از تعبقت محتومة قولت	هذا المدرر الطفال والعواجص والمدرسة العطيل ا
AT-T. Cale & sile of the Strict Strict Cale of the Strict Cale of the Strict Strict Cale of the Strict Strict Strict Cale of the Strict Strict Strict Cale of the Strict S	ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا	عليه ليدان شريعا انتظار داريم يوسايل	شد معادهه از طبرف وزارت معارف
سويلن روانين تار السمه بي - ١٩٤ سويس ، بيما يليه م - ٢٩٦ ا	ويصوميه من قصر ليه مسر خو التي قاطميه. الإيران	مقتضبة جبران ابن يبش آمد نا كوار	المجمعية المريد المراجب حقوقي آ تها يغر ما بند
نبو بورك المربق ١٥-١٠ ٢٥-١٠ إيطالى من المربع من المسلم المربع	فدسه هريك	را فرموده وبا وضعبات منجر أمواقب	وشته لنظيم اين مدرسه همر فندر فتهازهم
رويبه مدلى - ٢٤٨ - ٢١٩ اميالى - ٢٤٨ ماله ما	م منه کر ببت انوا میں کے کو کیباسا دائے	وَحَبِيْهَةَ كَلَمُ دُيْدَهُ تَعْرَجِيهُ زُودُكُمْ بِهَبْتَجْسَان	كبيغته مبشود والمجار المجار
	خطاب السوان هويك بيبار معهد الم	افكار عامه ته إذا فا نا در از ابد است خا نده	میند کمینده میشود
	جدیم مبلنی که بعه سی و دو باب	دهند متنظر أقدام سريع و أعلام نتبجه	ور جز ــ در سەروز قبل فريدون
The and The states in prost of this to want the second	مدرسه (زات فوق در ماه به زار به مسجد ماه باله الم من م	قورى مبياشيم قاضى اقل الطلبه حسن على	المجمع المجان الع الروحيه مترجوم المبل مبعود از ا
الله من المد مطبعة بن المقوق المبة (٢) المعة	a stat was the state of the state	ثقة الأسلام الحقر ^ش قو ندى ج ^{ور} رضوى	المجادين وياست ساخلو نتا شلى دو نفر فراول بجهت شبهها
	- Alte Beer with Aller for at the Party is	إقل طلبه مبرزا ابوطالب رضوى خاج	فهيتما يند وباست ما خلو نيز قيول مدول اورا
🚍 교육학생님 같아요. 이 이 가지 않는 것은 대학생님 전 것이 가지 않는 것이 가지 않는 것이 있는 것이 없는 것이 있는 것이 있는 것이 있는 것이 있는 것이 없는 것이 없는 것이 없는 것이 없는 것이 있는 것이 없는 것이 없는 것이 있는 것이 없는 것이 없이 않이			